

اشکال مرحوم عراقی بر مرحوم آخوند:

مرحوم عراقی به این سخن مرحوم آخوند که «اگر قائل به امتناع شدیم و نهی را مقدم داشتیم، بحث اجتماع امر و نهی، برای بحث نهی در عبادات، صغری می سازد» اشکال کرده اند.

ما حصل فرمایش مرحوم عراقی آن است که: در بحث اجتماع امر و نهی، اگر امتناعی شدیم و نهی را مقدم داشتیم، اگر چه عبادت (در صورتی که موضوع عبادت باشد) باطل است ولی بطلان عبادت در این صورت، به جهت آن است ما نمی توانیم قصد قربت کنیم. (چرا که وقتی «علم به نهی» داریم و «می دانیم» که خدا این عمل را نخواست است، نمی توانیم بگوییم این عمل را به خاطر خدا انجام می دهیم)

در حالیکه در بحث نهی در عبادات، فساد عبادت، به سبب دیگری است که عبارت باشد از اینکه عبادت منهی دارای ملاک نیست و لذا «نهی در عبارت» معلوم می کند که عبادت در مورد نهی، تخصیص خورده است.

به همین جهت باید گفت بحث اجتماع امر و نهی بحث تراحم است ولی بحث نهی در عبادات، بحث تعارض است

«ان الفساد فی المقام علی الامتناع و تقدیم النهی انما کان مستندا إلی العلم بالنهی لا إلی النهی بوجوده الواقعی بل فی الحقیقة یکون الفساد فی المقام حیث من جهة انتفاء قصد القرية من جهة انه مع العلم بالنهی لا یکاد یتحقق القرب المعتبر فی صحة العبادة، [ما می گوییم: البته ممکن است اجتماع امر و نهی مربوط به اوامر توصلی باشد که اصلاً محتاج قصد قربت نیست. توجه شود که ممکن است توصلی ها، باطل باشند ولی این بطلان به سبب عدم قصد قربت نیست]

بخلافه فی المسألة الآتية حیث ان الفساد فیها انما کان مستندا إلی نفس النهی بوجوده الواقعی ومن ذلك لا یکاد یفرق فیها بین العلم بالنهی أو الجهل به فتفسد العبادة علی کل حال ومن المعلوم انه لا یکون الوجه فیها الا من جهة انتفاء الملائک والمصلحة فیها وکشف النهی عنها عن تخصیص الملائک والمصلحة من الاول بما عدا هذا الفرد المنهی عنه من الافراد الاخر و من ذلك یندرج تلك المسألة فی مسألة تعارض الدلیلین وتکاذبهما، من جهة تکاذب الدلیلین حیث من جهة انتفاء الملائک والمصلحة ایضا مضافا عن تمنعها فی مقام الحكم فلا بد حیث من اعمال قواعد التعارض فیها بالرجوع إلی المرجحات السندیة، [ما می گوییم: البته اگر جمع دلالی ممکن نشد]



و هذا بخلاف المقام حيث انه باعتبار وجود الملاكين فيهما يندرج في صغريات مسألة التزاحم ولو على الامتناع ايضا نظرا إلى تحقق المزاحمة حينئذ بين الملاكين في عالم التأثير في الرجحان والمرجوحية كما يكشف عنه حكمهم بصحة العبادة في الغضب مع الغفلة أو الجهل بالموضوع أو الحكم عن قصور لا عن تقصير ولو مع البناء على تقديم جانب^۱

ما می گوئیم:

(۱) ما حصل فرمایش ایشان آن است که:

۱. بحث نهی در عبادات، از صغریات تعارض است، چرا که نهی از «صلوة در حمام» تخصیص می زند، «امر به صلوة» را و لذا می گوئیم از ابتدا شارع امر به صلوة در غیر حمام کرده است و لذا مطلق نماز در حمام باطل است (حتی اگر جاهل یا غافل یا ناسی باشیم)

۲. بحث اجتماع امر و نهی، از صغریات تزاحم است، چرا که در چنین موردی، هم امر وجود دارد و هم نهی و لذا اگر کسی نسبت غضب غافل بود یا جاهل بود، نماز صحیح است.

۳. پس در اجتماع امر و نهی، تنها در صورتی نهی مقدم است و عمل باطل است که علم به نهی باشد ولی در نهی در عبادات، عمل مطلقاً باطل است.

(۲) اما در این باره نکته ای موجود است که در انتهای بحث مطرح می کنیم. ولی قبل از آن اشاره کنیم: اینکه در «تزاحم» اگر جاهل یا ناسی باشیم، عمل صحیح است، بر اساس همه مبانی نیست.

